

ادبیات و آثار هنری خود حفظ کنند.

در داستان های کهن ایرانی، آرش، دلادر مردی بود که وقتی قرار شد

گانداری ایرانی، تیری را کند و هر جا که تیر فرود آمد، مرز ایران باشد،

دلیرانه برقله ی دماوند برآمد و تیری در چله ی کمان نهاد و با پرتاب کردن

آن، سرزمین ایران را از بیگانگان ربایي بخشید و جان خود را در این راه

رفع اشکال

محل تصحیح



۲۰

۳۰

۴۰

۵۰



جمع امتیازات تاکنون

فدا کرد. خاطره‌ی این جان فشانی در راه پاسداری از میهن، هنوز در یادها

زنده است. این سرزمین در هر روزگاری، پهلوانان و نام آوران بی شماری

را در خود پرورانده است.

شهریدریاقلی سوزانی یکی از دل‌آوردان مردان دوران دفاع مقدس بود

که در نخستین ماه‌های جنگ تحمیلی با فداکاری شگفت انگیز خود، مانع سقوط

شهر آبادان شد. شغل دریاقلی، ادراک فردوسی بود. او در آن هنگام به

همراه فرزند خود در سال خود در گورستانی از اوسیل های فرسوده در «کوی

ذوالفقاری» در حاشیه آبادان زندگی می کرد. او در یک شب تاریک،

ناگهان متوجه شد که سر بازان دشمن بخشی به صورتی غافلگیرکننده از رودخانه

بهمن شیرگذاشته اند و می خواهند شهر محاصره شده ی آبادان را به اشغال کامل

خود در بیاورند. دریائلی فوراً بی سر و صداسوار برد و چرخه شد و به راه افتاد.



۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰



دریا قلی در آن شب پاییزی نهم آبان ماه ۱۳۵۹ با همه ی توان و قدرت ،

رکاب می زد. انگار کسی در گوشش می گفت : دریا قلی رکاب بزن ، همه چیز

به جوار نردی تو وابسته است. اگر کوتاهی کنی ، همه ی شهر دیار نابود خواهد شد.

دریا قلی ! رکاب بزن ، یا علی بگو چشم انتظار هستم تو ، دین دهمن است

فردا اگر درنگ کنی ، کوچه های شهر میدان جنگ تن تن و تانک باتن است

از راه اگر بمانی و روشن شود هوا تکلیف شهر خاطره های تو ، روشن است

دریا قلی اَبه وسعتِ دریاست نام تو تاریخ در تلفظِ نام تو الکن است

اما دریا قلی، همچون دریای خردشان بود، با تمام وجود تلاش می کرد از میان

گشتی های دشمن د آتش خمپاره ها بگذرد و زود تر از سر بازان بعشی، خود را به

شهر برساند.

او توانست، کوی ذوالفقاری تا شهر آبادان را در کوتاه ترین زمان، رکا بسازد

رفع اشکال

محل تصحیح



۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰



جمع امتیازات تاکنون